

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

توجه به غیر متخصص عامل انحراف رفتن دین از مسیر حقیقی

استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین پوربدخشان

نویسنده: حسن ابراهیمی شکوری

آذرماه ۱۴۰۲

موسسه آموزشی پژوهشی بیان معرفت

چکیده

تاریخ اسلام مسیر پر پیچ و خمی را همواره طی نموده بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص) با انزوا بردن اهل بیت ع و با توجه به افزایش قلمرو اسلامی و کثرت مردم سوالات نیز به تبع افزایش یافت به ناچار باید شخص یا گروهی پاسخ دهنده می بود، ناگزیر علمای اهل کتاب که تازه اسلام آورده بودند بر راس کار آمدند و به اظهار نظر پرداختند، در این نوشتار سعی شده به دوتن از آنها اشاره گردد تا مورد بررسی واقع شوند.

کلیدواژه: جعل حدیث، تمیم داری، کعب الاحبار، صحابه، خلفاء، تورات، اهل بیت (ع)

مقدمه

برای همگی ما شاید سوالات ذیل پیش آید چطور برخی افراد تازه مسلمان شده و دارای سابقه اسلام آوری کم و همنشینی اندک با پیامبر (ص)، می توانند روایات متعدد از ایشان نقل کنند؟ آیا این افراد از علم کافی نسبت به مسایل اسلامی برخوردار بودند؟ اهل بیت (ع) که پیامبر ص تاکید بر آنها داشت آیا این اشخاص را تایید می کردند؟ دلیل توجه به ایشان چه چیزی می تولد باشد؟ آیا آنان نیز می توانند، از عوامل تحریف باشند؟ برای پاسخ باید به پهنای کتب حدیثی و تاریخی رفته و دنبال حقیقت جستجو نمود.

از مهم ترین عوامل تحریف تاریخ به منع نشر حدیث، شکستن قداست پیامبر اکرم (ص) به عنوان مبین قرآن و جعل حدیث در ابعاد گوناگون می توان نام برد.

حضور علمای اهل کتاب خود عاملی برای حدیث سازی بوده و آنها هم به علل سطح فرهنگ و دانش بسیار پایین جزیره العرب، انحصار دانش در شعر و خطابه و نسب شناسی و تاریخ جنگ ها، کنار زدن اهل بیت علیهم السلام به عنوان محور علم و ترویج قصاصون و بیان حوادث گذشته و تاریخ انبیا و غیره بدون بیان سند، عواملی برای ترویج روایات بدون سند هستند.

دو تن از علمای تاثیر گذار اهل کتاب تاثیر گذار در این جولان عبارتند از:

تمیم داری و کعب الاحبار

تمیم داری

اولین شخصی که در اسلام قصه گفت و این کارش را در زمان خلافت ابوبکر آغاز نمود وی اجازه روایت را از خلیفه دوم اخذ نمود و مطالب زیادی از تورات و انجیل حفظ بود.^۲

۱ الکافی ج ۱ ص ۳۲ اعلم الناس بانساب العرب و وقایعها و ایام الجاهلیه و الاشعار العربیه

۲ مسند احمد ابن حنبل ج ۳ ص ۴۴۹

لم یکن یقص علی عهد رسول الله ص ولا ابی بکر وکان اول من قص تمیما الداری استاذن

عمر بن الخطاب ان یقص علی الناس قایما فاذن له عمر

او، پیش از اسلام بنا بر نقل کتب تاریخی بردین مسیحیت بود و به مدینه آمد و مسلمان شد^۳ راهب و عابد اهل فلسطین^۴ و از علمای اهل کتاب بود. تمیم در زمان مسیحیت و در عصر پیامبر (ص) خود دچار سرقت شده بود اما سوگند خورد آن را انجام نداده ولی خلافت ثلثت گردید،^۵ اما وی در زمان عمر منزلت و مقام پیدا نمود.^۶ حدیث جساسه و دجال اوبه وجود موجودی به اسم جساسه در دریایی اشاره میکند که دجال در ساحلی دریا به زنجیر است تا روز قیامت فرارسد،^۸ با این حدیث تهمت‌های بسیار از سمت خاورشناسان غربی به اسلام روا شد.^۹

در پاسخ ادعایش نیز باید گفت اصولاً چه دریایی یک ماه می‌تواند پیوسته طوفانی باشد؟ امروزه آن دریا کجاست؟ چرا با پیشرفت بشر کسی به آن اشاره نکرده؟ چه حیوانی بوده تا به عربی فصیح صحبت کرده؟ رشید رضا در حالیکه پاسخی دقیق نیافته به ناچار علم غیب پیامبر (ص) را هدف می‌گیرد^{۱۰} و می‌گوید ایشان فریب سخنان تمیم را خورده است.

از دیگر دروغ پردازی‌های تمیم، جعل حدیث است و نامه جعلی وی مبنی بر واگذاری زمین‌هایی از شام به معاویه توسط پیامبر اکرم (ص) شاهد بر این مدعا است.^{۱۱}

کعب الاحبار

دومین شخصیت، در جعل حدیث، کعب الاحبار عالم یهودی مفسر قرآن است، در شرح

حال وی نوشته اند:

در زمان خلافت ابوبکر، اسلام آورد و در عصر خلافت خلیفه دوم به مدینه آمد و وی علاقه شدیدی به رفتن به بیت المقدس داشت، در سخنان خود از تورات با وجود تحریفات متعدد به کتاب خدا تعبیر می‌نمود، در نیمه دوم خلافت عثمان به دلیل توجه و دخلت دادن بنی امیه در امور حکومت به شام هجرت کرد و در فضیلت بیت المقدس روایاتی جعل کرد از قبیل اینکه: کعبه هر صبح برای بیت المقدس سجده می‌کند.^{۱۲}

۳ صحیح مسلم ج ۸ ص ۲۰۴

کان نصرانیا و قدم المدینه فاسلم

۴ الاصابه ج ۱ ص ۱۸۶

کان راهب اهل فلسطین و عابد اهل فلسطین

۵ تهذیب التهذیب ج ۱ ص ۵۱۱

کان من علماء اهل الکتابین

۶ ر.ک صحیح بخاری کتاب الوصایا ج ۴ ص ۱۳ و ۱۴ چاپ عبدالحمید

۷ الاصابه ج ۳ ص ۴۷۳

عمر تعبیر *خیر اهل المدینه* را برای او به کار برد.

۸ ر.ک صحیح مسلم ج ۸ ص ۲۰۳-۲۰۵ چاپ قدمی مصر

۹ ر.ک به ماد ماده دجال نوشته و نسنگ و ماده تمیم داری نوشته لیلی دلایدا، در دایره

المعارف اسلامی چاپ اول و در ماده دجال در خلاصه دایره المعارف shortet encyclopedia of islam.p۶۷

۱۰ مجله المنار شماره ۱۹ ص ۹۹ چاپ مصر

النبی ماکان یعلم الغیب فهو کسائر البشر یحمل کلام الناس علی الصدق اذا لم تحف به

شبهه

۱۱ ر.ک تاریخ مدینه دمشق ج ۱۰ ص ۴۶۹

۱۲ احب البلاد الی الله، الشام و احب الشام الی الله، القدس (شذرات الذهب ج ۱ ص ۴۰)

او ، به پرورش شاگردانی همچون عبدالله بن عمرو عاص و ابوهریره پرداخت واز آنان تعریف و تمجیدها نمود.^{۱۳} کعب در مقامات رسمی خلافت نیز نفوذ کرده تا جایی که مقام خلیفه دوم را حتی از پیامبر (ص) نیز بالاتر می برد و در مدح وی می گوید: تو هستی که تا زنده ای مانع جهنمی شدن مردم هستی.^{۱۴}

کعب ،در زمان زخمی شدن خلیفه دوم، به دست ابولولو نیز از او با عبارت: اگر عمر از پروردگارش درخواست کند تا او را نگه دارد قطعا به او طول عمر می دهد.^{۱۵}

کعب ، همچنین به تفسیر آیاتی از قرآن پرداخته از جمله در پاسخ به عمر می گوید: مراد از عدن در آیات ۹و۸ سوره غافر: کاخ هایی ازطلاست که پیامبران و صدیقان که پیشوایان عدالت هستند درانها سکونت دارند و معتقد است : مراد از * وقهم السيئات* نیز سیئات عذاب است.۱۶

در پاسخ به عمر از چپستی کعبه، می گوید: در اصل یاقوتی سرخ بوده که حضرت آدم با خود آورده و وسط آن خالی بوده.^{۱۷}

به خلیفه دوم نیز مبنی بر سوال وجود شعر در تورات پاسخ داد گروهی از فرزندان اسماعیل، تورات را حفظ کرده و سخن حکمت می گویند و آنها فقط از اعراب هستند^{۱۸}

تاجایی لفظ کتاب خدا را برای تورات به کار برد، که حتی عده ای همچون معاویه به باور و یقین تبدیل شده بود.

معاویه ، در تمجید وی می گفت: او یکی از دانشمندان است.^{۱۹}

تسعه اعشار الخیر بالشام و جزوه فی سایر البلاد(تاریخ مدینه دمشق ج ۱ ص ۱۱۰)

رک: تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱۲۲

۱۳ تاریخ طبری، ج ۱، ص ۴۰۲

به عنوان نمونه بعد* پاسخ عبدالله به او گفت انت افقه العرب ، یا درجایی درباره او گفت صدق الرجل عالم والله *

یا درباره ابو هریره میگوید ما رایت احدا لم یقرا التورات اعلم بما فیه من ابی هریره (تذکره الحفاظ ج ۱ ص ۳۶)

۱۴ الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۴۰ چاپ اروپا

انا لنجدک فی کتاب الله علی باب من ابواب جهنم تمنع الناس أن یقعوا فیها فإذا مت لم یزالوا یقتحمون فیها إلى یوم القیامة

۱۵ همان ، ج ۳، ص ۲۵۷

لئن سأل عمر ربه لیقینه الله

۱۶ تفسیر قرطبی، ج ۱۵، ص ۲۹۵

قصور من ذهب فی الجنة یسکنها النبیون و الصدیقون ائمة العدل

۱۷ الدر المنثور، ج ۱، ص ۱۳۲

۱۸ العمده ابن رشیق، ص ۲۵، چاپ مصر

۱۹ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۵۸، چاپ بیروت

الا ان کعب الاحبار احد العلماء

دلایل روی آوری به کعب نیز عبارتند از: عنایت ویژه خلیفه دوم به عنوان اولین توجه کننده به وی، عمر از او با تعبیر عالم بزرگ و مرجع دینی یادکرد و آن نیز به علت انس و آشنایی عمر با تورات و یهودیت در گذشته و شگفت زده شدن وی از این کتاب است، روزی همراه با کتابچه تورات، به زعم تشویق پیامبر (ص) برایشان وارد شد اما ایشان (ص) بسیار برافروخته شدند. ابوبکر با ملاحظه این صحنه گفت **ثکلتک التواکل ماتری بوجه رسول الله به عزایت بنشینند مگر نمی بینی رنگ و رخسار پیامبر ص را بر اثر خشم که چگون است؟** سپس عمر گفت: **اعوذ بالله من غضب الله و رسوله** بعد پیامبر اکرم (ص) فرمودند: اگر حتی خود موسی زنده می بود از من پیروی می نمود.^{۲۰} دلیل دیگر روی آوری به کعب، تخصص نداشتن صاحبان قدرت بعد پیامبر (ص)، در شناخت مفاهیم دینی همچون مبدا و معاد و کنار زدن امام علی علیه السلام است.

به علاوه، برخورد خشن خلفا از قبیل خلیفه دوم به عنوان نمونه با پرسشگران مسایل مثلاً صبیخ به خاطر سوال از* الذاریات ذروا* و تنبیه شدید وی توسط عمر^{۲۱} و در مقابل پاسخ دهی با صبر و متانت امام علی علیه السلام به دشمن خارجی و ناصبی خود ابن الکواء، امام و خلیفه ای که می فرمود قبل از ازدست دادنم از من بپرسید.^{۲۲}

با این وجود، باز هم حافظان اسلام از قبیل امام علی علیه السلام، در برابر کعب ایستادگی کردند به عنوان نمونه در پاسخ به سوال عمر از کعب درباره اینکه خدا قبل خلقت عرش کجا بوده و وی پاسخ داد خداوند ازلی است ابتدا بر صخره بیت المقدس معلق بر هوا بوده سپس با آب دهانش اقیانوس ها را آفرید و از آن صخره عرش خود را آفرید و بر آن نشست و از باقیمانده آن بیت المقدس را به وجود آورد.

در پاسخ حضرت (ع) لباس خود را تکان داده و الفاظ دلالت کننده بر جلالت خدا را به زبان آورد و به اصرار عمر چنین پاسخ دادند، اصحاب تو اشتباه کرده، کتب خود را تحریف و به خدا دروغ بستند و باین وجود که تو می گویی سه موجود ازلی خواهیم داشت و خداوندی که به زعم تو با اب دهانش اقیانوس می سازد بزرگتر از انست تا در بیت المقدس جای گیرد.^{۲۳}

نتیجه گیری

بنابر مطالب مذکور مشخص است عامل حکومت باعث انزوای صاحبان علم و مفسران حقیقی گردیده و با گسترش سوالات و عدم وجود پاسخ دهنده افراد نو مسلمان اهل کتاب به اظهار نظر پرداخته و

^{۲۰} سنن الدارمی ج ۱ ص ۱۱۵ چاپ دمشق
والذی نفسی بیده لقد جنتکم بها بیضاء نقیة لاتسالوهم عن شیء فإنه لن یهدوکم و قد ضلوا
فإنه لو کان موسی حیا بین اظهركم محلل له إلا أن یتبعنی
^{۲۱} سنن دارمی ج ۱ ص ۴ و ۵
^{۲۲} سنن دارمی، ج ۱۰، ص ۲۲۱
سلونی قبل ان تفقدونی فوالله لاتسالونی عن شیء الی یوم القیامه الا احدثکم به و سلونی

عن کتاب الله

^{۲۳} نزهه الناظر و تنبیه خاطر، ص ۲۳۵ و ۲۳۶

تفسیرشان بر اساس میل دستگاه حاکم بوده و این خود باعث تحریف و انزوای اصل دین و حتی در برخی موارد خردگی خورشناسان و اسلام شناسان غربی گردیده است .

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته